



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۹ / شعبان المعظم / ۱۴۴۵ هـ، ق ۱۱ / حوت / ۱۴۰۲ هـ، ش

فضیلت تجارت و صفات تاجر مسلمان از نظر اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده؛ أما بعد: قال الله عزوجل في كتابه المجيد وفرقانه الحميد: (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) [الجمعة: ۱۰].

دين مقدس اسلام ما و شمارا به كار و عمل رهنمائي واز بيكاري و تنبلي منع كرده است.

الله جل جلاله در قرآن كريم در جاهای متعدد مردم را به اين تشويق كرده است وقتيكه از عبادت فارغ شديد بايد كار كنيد و فضل الله تعالى را كه عبارت از رزق و روزی است جستجو كنيد، زیرا كه دنيا دار الاسباب است و بنده بايد با استفاده از اسباب روزی خود را جستجو كند و سپس توكل خود را به الله تعالى نمايد. الله تعالى فرموده است: (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ) [المالك: ۱۵]

ترجمه:- او کسی است که زمین را برای شما رام گردانده است، پس در اطراف و جوانب آن بروید و از روزی او بخورید و بدانید که بازگشت همه به سوی او است.

درآیه مبارک دیگری الله تعالى فرموده است: (فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) [الجمعة: ۱۰].

ترجمه:- پس هرگاه نماز خوانده شود در زمین پراکنده شوید و روزی الله را که برای تان مقرر کرده است جستجو کنید و الله را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.

امام بغوي رحمه الله در تفسير اين آيت مینويسد: (أَيُّ: إِذَا فُرِغَ مِنَ الصَّلَاةِ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ لِلتَّجَارَةِ وَالتَّصَرُّفِ فِي حَوَائِجِكُمْ، وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ، يَعْنِي: الرِّزْقَ). (تفسير البغوي) ۸ / ۱۲۳ یعنی وقتيكه نماز تمام شد، در زمین پراکنده شوید برای تجارت و برای بدست آوردن حاجات خود یعنی فضل پروردگار که عبارت از رزق است جستجو کنید.

به مسلمانان مناسب است که بين عبادات و تجارت تفاوت را مراعات کنند، نه اينطور که شب و روز در مسجد نشسته باشند و ذکر کنند و فاميل او در خانه گرسنه باشد. ويا اينکه در پی تجارت و کار شب و روز مصروف باشد که عبادت پروردگار و نماز هيچ بياد او نيابد، بلکه اول عبادت الله تعالى را به طريقه درست بجا آورد سپس از مسجد بيرون شده و در پی طلب رزق

شود. طوریکه الله تعالى فرموده است: (رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ) النور: (۳۷)

ترجمه:- مردانیکه تجارت و بیع آنها را از یاد الله و خواندن نماز و پرداخت زکات غافل نمی سازد از روزی می ترسند که دلها و چشمها در آن پریشان میشوند.

تجارت نسبت به سایر کسب ها بهتر و با برکت کسب است که این یک قول از اقوال علما است، زیرا درباره تجارت احادیث و آثار زیادی آمده است، رسول الله صلی الله علیه و سلم بخاطر تجارت اموال خدیجه الکبری رضی الله عنها به شام رفت است، تجارت پیشه ای اکثر صحابه کرام و بزرگان دین بود امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه و عبدالله بن المبارک تاجر بودند.

در قرآن کریم در باره تجارت و بیع بیشتر یاد آوری شده است. الله تعالی میفرماید: (وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ). البقرة: ۲۷۵

ترجمه:- در حالیکه الله تعالی بیع را حلال و سود را حرام گردانده است، پس کسیکه او را از جانب پروردگارش پندی آمد و از سود خوری خود داری کرد او را است آنچه که گذشته است و داوری او به سوی الله سپرده میشود پس کسیکه به سوی سود خوری باز گردد آنها اهل دوزخ اند و در دوزخ جاویدان اند.

الله تعالی از سه گروه مردم ذکر کرده است و اینها را از قیام اللیل معذور قرار داده است که یک گروه آنها مریضان، دیگر آن تاجران و دیگر مجاهدین در راه الله تعالی است.

(عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرَضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ). المزمع: ۲۰

ترجمه:- الله میدانست که بعضی از شما بیمار میشوند و گروهی دیگر بخاطر طلب روزی در زمین سفر میکنند و گروه دیگری در راه الله میجنگند.

حافظ ابن کثیر مینویسد: (مسافرون في الأرض يبتغون من فضل الله في المكاسب والمتاجر). تفسیر ابن کثیر (۴/ ۵۲۹)

مسافری که در زمین در جستجوی فضل و مهربانی پروردگار به کسب و به تجارت خود است. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا). النساء: ۲۹

ترجمه:- ای مومنان! مالهای خویش را به ناحق مخورید مگر اینکه تجارتي باشد که از رضامندی خودتان صورت گیرد، خویشتن و همدیگر تانرا به قتل نرسانید یقیناً الله بر شما مهربان است.

رسول الله صلی الله علیه و سلم تجارت را کسب بهتر شمرده است و فرموده اند: (عَنْ جَمِيعِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ خَالِهِ قَالَ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَفْضَلِ الْكَسْبِ فَقَالَ بَيْعٌ مَبْرُورٌ وَعَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ). مسند أحمد (۲۵/ ۱۵۷)

ترجمه:- جمیع بن عمیر از امامی خود روایت میکند او میگوید که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره افضل الکسب پرسیده شد؟ نبی علیه السلام فرمودند: (افضل الکسب) آن بیعی است که خالی باشد از خیانت و فریب. و دست مزد یک شخص.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ). سنن الترمذی

ترجمه:- از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: تاجر امین و راستگو در روز (قیامت) با انبیاء، صدیقان و شهداء می باشد.

از زبیر بن عوام رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: (لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ الْحَطَبِ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِيعَهَا فَيَكْفَى اللَّهُ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ). صحیح البخاری (۳/ ۵۲۱)

ترجمه:- اینکه یکی از شما اگر ریسمانی را گرفته و از کوه چوب را بیاورد به پشت خود و آنرا به فروش برساند والله تعالی او را از ذلت حفاظت کند. این بهتر است از برای او از اینکه از مردم سوال کند یا به او چیزی بدهند و یا از او منع کنند.

در یک حدیث شریف دیگر آمده است: (عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ). سنن الترمذی (۳/ ۶۳۹)

ترجمه:- از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: یقیناً پاکترین چیزی که میخورید مزد دست شما است.

اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم تجارت اشیای مختلف را میکردند، و تجارت بری و بحری را انجام میدادند.

(عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عُمَّالَ أَنْفُسِهِمْ). صحیح البخاری (۵/ ۲۴۱)

حضرت عائشه رضی الله عنها میفرماید: که اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم برای خود کارهایی را میکردند، انصار صاحبان باغ و زراعت و مهاجرین تاجران بودند و در بازارها کار و بار میکردند و بزرگان صحابه هم تجارت میکردند، ابوبکر صدیق رضی الله عنه، حضرت عثمان رضی الله عنه، عبد الرحمن ابن عوف رضی الله عنه تجارت میکردند. در یک روایت آمده است: (عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَدِمَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ الْمَدِينَةَ فَأَخَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَعْدِ بْنِ الرَّبِيعِ الْأَنْصَارِيِّ وَكَانَ سَعْدٌ ذَا غَنَى فَقَالَ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ أَقَاسِمُكَ مَالِي نِصْفَيْنِ وَأَزْوَجُكَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي أَهْلِكَ وَمَالِكَ دُلُونِي عَلَى السُّوقِ فَمَا رَجَعَ حَتَّى اسْتَفْضَلَ أَقِطًا وَسَمْنَا فَاتَى بِهِ أَهْلَ مَنْزِلِهِ فَمَكَثْنَا يَسِيرًا أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ فَجَاءَ وَعَلَيْهِ وَضُرٌّ مِنْ صُفْرَةٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَهِيْمٌ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ مَا سَفَتَ إِلَيْهَا قَالَ نَوَاءٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ وَزْنِ نَوَاءٍ مِنْ ذَهَبٍ قَالَ أَوْلِمَ وَلَوْ بِشَاةٍ). صحیح البخاری (۵/ ۲۰۶)

ترجمه:- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است او میگوید: وقتی که عبدالرحمن ابن عوف رضی الله عنه به مدینه آمدند رسول الله صلی الله علیه وسلم در بین او و سعد ابن ربیع انصاری عقد مواخات (برادری) نمود و حضرت سعد صاحب ثروت بود از برای عبدالرحمن گفت: من مال خود را با تو به نصف تقسیم میکنم و تورا صاحب زوجه میگردانم، حضرت عبدالرحمن رضی الله عنه گفت: الله تعالی در مال و اهل تو برکت بیندازد من را رهنمائی کن به بازار و عبدالرحمن ابن عوف رضی الله عنه باز نگشت تا اینکه بدست آورد پنیر و روغن.

وقتی که ما خود را دوستان صحابه کرام میدانیم باید به نقش قدم ایشان روان شویم .

قال أبو قلابة البصري لرجل: لأن أراك تطلب معاشك أحب إلي من أن أراك في زاوية المسجد). إحياء علوم الدين (٢/ ٦٣)

ابوقلابه رحمه الله به یک شخصی گفت: من تورا مبینم که در جستجوی روزی خود استی ، این بهتر است از اینکه تو را کنج مسجد ببینم.

(وقال أبو سليمان الداراني ليس العبادة عندنا أن تصف قدميك وغيرك يقوت لك ولكن ابدأ برغيفك فأحرزهما ثم تعبد).
إحياء علوم الدين (٢/ ٦٣)

وقال معاذ بن جبل رضي الله عنه ينادي مناد يوم القيامة أين بغضاء الله في أرضه فيقوم سؤال المساجد). إحياء علوم الدين (٢/ ٦٣) حضرت معاذ بن جبل رضي الله عنه میگوید: روز قیامت منادی ندا میکند کجاست مردمیکه در زمین به نزد پروردگار مبعوض اند؟ بر میخیزند سوالگرانی که در مساجد سوال میگردند.

همچنان امام غزالی رحمه الله میفرماید: (فهذه مذمة الشرع للسؤال والاتكال على كفاية الأغيار ومن ليس له مال موروث فلا ينجيه من ذلك إلا الكسب والتجارة) این مذمت شرعی است در حق سوال کنندگان و خوراک کردن از کفایت طعام دیگران، پس کسیکه مال موروثی ندارد پس او را نجات نمی دهد مگر کار و تجارت.

وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - وَسُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتْرُكُ التَّجَارَةَ وَيُقْبَلُ عَلَى الصَّلَاةِ يَعْني وَرَجُلٌ يَشْتَغِلُ بِالتَّجَارَةِ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ التَّاجِرُ الْأَمِينُ. الآداب الشرعية والمنح المرعية (٣/ ٢٦٩)

ترجمه:- امام ابراهیم النخعی میگوید: از او در باره شخصی پرسیده شد که تجارت را رها کرده و به نماز (نفلی) روی آورده کدام یکی از این کارها بهتر است؟ ابراهیم النخعی رحمه الله گفت: تاجر امین بهتر است.

صفات تاجر مسلمان:

در شرایط فعلی در هر مسلمان بخصوص در بخش معاملات ضعف ایمان به نظر میخورد که تاجر هم از این مصیبت خالی نیست. اگر تاجر مسلمان به آن طریقه که شریعت امر کرده تجارت نماید، تجارت او در واقع خیر رساندن به شخص خود و به دیگران است که این یک نوع عبادت است.

از نظر اسلام تاجر دارای صفات زیادی است که بعضی آنها قرار ذیل است:

۱- قبل از همه تاجر مسلمان باید اراده خیر رساندن را به مردم داشته باشد.

تاجر مسلمان باید نیت خود را اصلاح کند، و این فکر را داشته باشد طوری که منفعت را به خود میخواید در فکر نفع رساندن به دیگر مسلمانان هم باشد و چیزی را که به خود نمی پسندد برای مشتری آنرا هم نپسندد، مانند: دروغ، فریب، چل و غیره. تاجر باید از هر آن کاری که به مردم ضرر و نقصان میرساند خود داری کند. الله تعالی فرموده است: (وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ). [هود: ۸۵].

ترجمه:- ای قوم من! پیمانانه و وزن را به انصاف بدهید و از چیزهای مردم مکاهید و در زمین فساد مکنید.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ). صحیح البخاری (۱/ ۱۷)

ترجمه:- از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: تا وقتی یکی از شما مسلمان کامل شده نمی توانید تا اینکه دوست بدارید برای برادر مسلمان خود چیزی را که به خود دوست میدارید.

در این بخش باید از بزرگان گذشته پیروی کنیم.

واقعہ امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ :

امام اعظم ابوحنیفہ رحمہ اللہ گر چه از یک طرف امام بزرگ در دین بود از طرف دیگر تاجر مشهور بود که در تجارت خود به صداقت و راستگویی شهرت داشت. یکبار زنی لباس ابریشمی را آورد که بالای او به فروش برساند امام ابوحنیفہ از او پرسید که قیمت این چند است؟ آن زن گفت: صد درهم. امام ابوحنیفہ رحمہ اللہ به او گفت: که قیمت این از صد بالاتر است، پس به چند میفروشی آن زن گفت: به دو صد امام صاحب سپس به زن گفت: قیمت این لباس از آنچه که گفتی بالاتر است تا اینکه قیمت آن به چهار صد رسید، امام صاحب به او گفت: که قیمت این از آن هم بالا تر است، زن گفت: آیا تو با من مزاح میکنی؟ سپس امام صاحب شخص دیگری را خواست آن لباس را به پنج صد درهم خرید.

۲- در معاملات راستگویی و صداقت: در شرایط فعلی از اکثر تجار صداقت و راستی از بین رفته است و مردم در فروش مال خود بسیار دروغ میگویند و در وقت فروش جنس بسیار قسم میخورند به انواع مختلف فریب و چل میکنند.

صفت تاجر مسلمان این است که در وقت خرید و فروش صداقت و راستی را اساس خود قرار بدهد و هیچوقت در فروش جنس خود و یا خرید دروغ نگوید. در حدیث شریف صفت آن تاجری بیان شده است که صادق و امین باشد. (عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ). سنن الترمذی

ترجمه:- ابو سعید خدری رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایتی رانقل میکند که نبی علیه السلام فرمودند: تاجر راستگو، صادق و امین در روز قیامت با انبیاء، صدقین و شهدا میباشد.

و در یک حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- مَرَّ عَلَى صُبْرَةِ طَعَامٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهَا فَتَأَلَّتْ أَصَابِعُهُ بَلَالًا فَقَالَ: مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟ قَالَ أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ كَمَا يَرَاهُ النَّاسُ مَنْ عَشَّى فَلَيْسَ مِنِّي). صحیح مسلم (۱/ ۶۹)

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است او میگوید: یک روز رسول الله صلی الله علیه وسلم در بازار به یک کوتی از طعام گذر کرد و در آن دست خود را داخل کرد و انگشتان مبارک به تری این طعام رسید نبی علیه السلام به آن شخص گفت: این چه است ای صاحب طعام؟ شخص در جواب گفت: باران بالای او باریده است ای رسول خدا! نبی علیه السلام به او گفت: باید طعام تر را بالای این کوت می گذاشتی تا اینکه مردم میدید هر کس که فریب کند از من نیست (یعنی از امت من نیست).

همچنان صفت تاجر مسلمان این است که در وقت فروش جنس خود قسم نخورد، زیرا قسم خوردن برکت تجارت را از بین می برد والله تعالی از قسمهای بی مورد منع کرده است. (وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ) [البقرة: ۲۲۴]

ترجمه:- نام الله را به سبب سوگندهای خویش مانع قرار مدهید.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْحَلْفُ مُنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ مُمَحِقَةٌ لِلْبَرَكَاتِ) صحیح البخاری (۵/ ۲۶۸)

ترجمه:- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است او میگوید: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده ام که فرمودند: قسم خوردن رایج کننده متاع و محو کننده برکت است.

و در یک حدیث شریف دیگر آمده است: (عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. قَالَ فَقَرَأَهَا رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. قَالَ أَبُو ذَرٍّ خَابُوا وَخَسِرُوا مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الْمُسْبِلُ وَالْمَنَانُ وَالْمُنْفِقُ سَلَعْتَهُ بِالْحَلْفِ الْكَاذِبِ). صحیح مسلم (۱/ ۷۱)

ترجمه:- از ابو ذر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: سه شخصی است که الله تعالی با آنها در روز قیامت سخن نمی گوید و به نظر رحمت به ایشان نمی نگرد و آنها را پاک نمی کند و از برای ایشان عذاب دردناکی است. ابوذر رضی الله عنه میگوید: که نبی علیه السلام این سخن را سه بار تکرار کرد، ابوذر رضی الله عنه گفت: اینها از خیر محروم و تاوانی شدند، کیستند یا رسول الله؟ نبی علیه السلام فرمودند: المسبیل: یعنی کسانی که پاچه تنبانشان از بجلک پائین باشد از لحاظ تکبر؛ منت گذار و دیگر کسیکه متاع خود را به دروغ و قسم رایج میگرداند.

۳- پوره دادن جنسی در ترازو و پیمانانه:

صفت دیگر تاجر مسلمان این است که در وزن و پیمانانه کمی و کاستی نکند. الله تعالی در باره کسانی که در ترازو و پیمانانه کمی و کاستی میکند وعید سختی ذکر کرده و فرموده است: (وَيَلُّ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ). [المطففين: ۱، ۶].

ترجمه:- وای به حال کاهنده گان حقوق مردم در پیمانانه و ترازو؛ کسانی که چون از مردم برای خود بپیمایند پوره میگیرند و چون برای مردم بپیمایند و یا وزن کنند؛ از اندازه لازم می کاهند آیا آنان گمان نمی کنند که ایشان دوباره بر انگیخته میشوند در روز بزرگ، روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان ایستاده میشوند.

متأسفانه که در شرایط فعلی در بازارها در نقصان ترازو شکایت ها است.

(عبد الله بن عباس - رضي الله عنهما - أن رسول الله - صلى الله عليه وسلم - قال لأهل الكيل والميزان : إنكم قد وليتم أمرين ، هلكت فيهما الأمم السالفة قبلكم). أخرجه الترمذي ، وقال : وقد روي بإسناد صحيح موقوفاً عليه.

ترجمه:- از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به صاحبان پیمانانه و ترازو گفت: یقیناً شما دو کاری را انجام میدهید که بواسطه آن هلاک شده اقوام گذشته قبل از شما.

(كان ابن عمر يمر بالبائع فيقول : اتق الله و أوف الكيل و الوزن فإن المطففين يوقفون حتى أن العرق ليلجمهم إلى أنصاف آذانهم). الكبائر (ص: ۲۲۵)

ترجمه:- یک روز عبد الله ابن عمر به یک فروشنده گذر کرد به او گفت: از الله بترس و پوره بده متاع را در پیمانانه و ترازو، زیرا که کم کنندگان در ترازو و پیمانانه ایستاده کرده میشوند تا اینکه عرق ایشان به گوشه‌هایشان میرسد (که آنها سخن گفته هم نمی توانند).

۴- در وقت خرید و فروش آسانی کردن و با مردم کمک و مهربانی کردن.

صفت دیگر تاجر مسلمان این است که در وقت فروش با مشتری مراجعین آسانی کند و از مهربانی کار بگیرد اگر مشتری فی الحال پول نداشت جنس را به قرض برایش بدهد و مجبوری خریدار را در نظر بگیرد.

به این چنین شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم دعا کرده است . (عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ وَإِذَا اشْتَرَى وَإِذَا اقْتَضَى). صحيح البخاري (۲۴۷/ ۵)

ترجمه:- جابر بن عبدالله رضي الله عنهما میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: الله تعالی رحم کند به شخص آسانی کننده و قتیکه میفروشد و یا می خرد و یا و قتیکه حق خود را طلب میکند.

این هم یک صورت آسانی است که مشتری بدل متاع خریده شده را طلب میکند تاجر باید جنس را عوض کند و معامله را فسخ کند.

واقعه:- در صحیح البخاری و صحیح المسلم یک واقعه آمده است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است او میگوید که نبی علیه السلام فرمودند: شخصی از شخص دیگری زمین را خرید شخصیکه زمین را خریده بود در زمین یک ظرفی از طلا را یافت ، مشتری به مالک قبلی زمین گفت: بگیر این طلای خود را زیرا من از تو تنها زمین را خریده ام و طلا را از تو نخریده ام، مالک قبلی زمین گفت: من به تو زمین و آنچه که در زمین است همه را فروخته ام. هر دو این فیصله را به یک شخص دیگر بردند، آن شخص حکم و نفر سوم به اینها گفت: آیا از شما اولاد است؟ یکی گفت: بلی از من بچه است ، دیگری گفت: بلی از من دختر است، شخص سوم که حکم بود به اینها گفت: بین بچه و دختر نکاح کنید و این طلا را بالای ایشان خرج کنید.

۵- وفا کردن در عهد و پیمان: در تجارت بیشتر اوقات عهد و پیمان صورت میگیرد، صفت تاجر مسلمان این است که به تمام عهد و پیمان و میعادهاییکه با مردم کرد است وفادار باشد . این آن صفتی است که الله تعالی هر مسلمان را بر آن امر کرده است. (وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا) [الإسراء: ۳۴]

ترجمه:- به عهد وفا کنید یقیناً در باره عهد سوال کرده میشود.

و در آیه مبارک دیگر آمده است: (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ). [المؤمنون: ۸، المعارج: ۳۲]

ترجمه:- و کسانی اند که امانت ها و پیمان خویش را رعایت میکنند.

الله تعالی از این جهت به وعده و عهد امر کرده است زیرا که نقض عهد و وعده خیانت است و مسلمان از خیانت خود را حفاظت کند.

واقعه:- در صحیح البخاری یک واقعه است که نبی علیه السلام فرموده است: در بنی اسرائیل شخصی از شخص دیگر هزار دینار قرض گرفت مالک پول به قرض گیرنده گفت: شاهدان را بیاور که بالایت شاهد بگیرم.

قرض گیرنده گفت: (کفی بالله شهیدا) الله کافی است به حیث شاهد. صاحب پول گفت: وکیل و ضامن بیاور، قرض گیرنده گفت: (کفی بالله کفیلاً) کافی است الله تعالی به حیث کفیل و ضامن. بالاخره به یک تاریخ معین برای او پول داد. سپس قرضدار به بحر سفر کرد و حاجت خود را پوره کرد و سپس در جستجوی یک سواری شد تا اینکه به تاریخ معین به مالک قرض خود را برساند ولی سواری برای او پیدا نشد یک چوب را گرفت: و بین آنرا شکافت، و در آن دیناری که قرض گرفته بود انداخت و در آن یک نامه به صاحب قرض گذاشت و سر چوب را بند کرد و در کنار بحر آمد و اینطور گفت: ای الله تو میدانی که من از فلانی شخص هزار دینار قرض گرفته ام و از من تقاضای کفیل کرد من برای او گفتم: که الله تعالی به کفالت کفایت میکند و به کفالت تو راضی شد و از من شاهدان خواست من به او گفتم: که الله تعالی به شهادی کفایت میکند و به شهادی تو راضی شد و من بسیار کوشش کردم که یک وسیله سواری پیدا کنم تا اینکه مال را به او برسانم ولی وسیله سواری را پیدا نکردم و من این را به تو می سپارم و آن چوب را به بحر انداخت تا اینکه چوب به دریا غرق شد

سپس در جستجوی سواری شد تا اینکه به شهر خود باز گردد و آن شخص قرض دهنده در ساحل بحر بخاطر این آمده بود که مال تجارتی او شاید آمده باشد نا گهان چشم او به چوب افتید و آن چوب را بخاطر این گرفت که از آن به سوخت استفاده کند و قتیکه چوب را میدید کرد در بین آن پول و نامه ای را پیدا کرد، سپس قرضدار آمد و به صاحب مال هزار دینار داد و برای او گفت: من زیاد کوشش کردم که وسیله سواری را پیدا کنم تا اینکه مال تو را برایت بیاورم ولی همان وقت

وسيله ای پیدا نکردم، مالک قرض به قرضدار گفت: آیا تو به من چیزی روان نکرده ای؟ قرضدار گفت: بلی! من روان کرده ام، صاحب قرض گفت: یقیناً الله تعالی از طرف تو آن هزار دینار را اداء کرده است و آن هزار دیناری که بعداً به قرضدار داده بود آن را پس گرفت. صحیح البخاری

۶- به فائده قناعت و از احتکار خود داری کردن:

دیگر صفت تاجر مسلمان این است که هراندازه که الله تعالی فائده به او نصیب کرده به آن قناعت نموده و حرص ننماید و از احتکار خود داری کند.

و در روایت دیگر اینطور آمده است: (لَا يَحْتَكِرُ إِلَّا الْخَوَّانُونَ، أَيِ الْخَاطِئُونَ الْأَثِمُونَ). مصنف عبد الرزاق

ترجمه:- احتکار نمی کند مگر خیانت کنندگان، امام عبدالرزاق در معنی (الخوانون) میگوید خطا کاران و گنهگاران. همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: (مَنْ أَحْتَكَرَ طَعَامًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً فَقَدْ بَرِيءٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَبَرِيءٌ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ. مسند أحمد

ترجمه:- کسیکه طعامی را بخاطر بلند رفتن قیمت چهل روز نگاه و ذخیره کند آن شخص بیزاری خود را از الله تعالی اعلان کرد یعنی میثاق الله تعالی را نقض کرد والله تعالی از این شخص بیزاری کرد.

در حدیث دیگری در باره احتکار اینطور آمده است: (مَنْ أَحْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجُدَامِ وَالْإِفْلَاسِ) سنن ابن ماجه (۳۷۷/۶)

ترجمه:- کسیکه بالای مسلمان ها طعام را بند و احتکار میکند، الله تعالی او را به مرض جذام و مفلسی مبتلاء میکند.

و در یک روایتی احتکارکنندگان را ملعون گفته شده است: (الْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ) المستدرک للحاکم

ترجمه:- احتکار کنندگان ملعون اند.

در احیاء علوم الدین امام غزالی رحمه الله یک واقعه را ذکر کرده است، او میگوید: در جمله سلف صالحین شخصی به واسطه یک شخص دیگر یک کشتی را پر از گندم به بصره فرستاد و به وکیل خود در بصره نامه ای نوشت که این طعام به محضیکه می رسد به فروش برساند و به فردا به تعویق نیدازد و قتیکه طعام رسید تجاران به وکیل گفتند: اگر این طعام را تا روز جمعه نگاه کنید چند برابر فائده میکنید، وکیل فروش طعام را تا روز جمعه به تأخیر انداخت و بسیار فائده کرد و به صاحب طعام این واقعه را نوشت، مالک طعام دوباره به وکیل خود نامه نوشت: ای بنده! ما خواستیم که ثلث فائده کنیم و دین ما هم سالم باقی بماند و تو از امر من مخالفت کردی و به ما یک جنایت بزرگ کردی، و قتیکه نامه من به تو رسید همه فائده مال را بگیر و به فقراء بصره تقسیم کن تا از احتکار نجات یابیم.